

از عمر رشته علمی مستقلی به نام «روابط بین‌المللی»، زمان زیادی نمی‌گذرد، شاید به همین دلیل، این رشته از علوم انسانی را پدیده‌ای پس از جنگ جهانی دوم دانسته‌اند. بررسی تاریخچه و روند تحولات دانشی به نام «روابط بین‌المللی»، از هنگامی که این رشته به عنوان یکی از زیربخش‌های موضوعات علمی سازمان‌های بین‌المللی، «حقوق بین‌المللی» و «تاریخ دیپلماسی»، مورد مطالعه قرار می‌گرفت، تا تحولات آن، پس از جنگ جهانی دوم و دوران جنگ سرد و نیز رشد و گسترش دورشته فرعی (همگرایی و سایبرنتیک) در کنار این رشته که سبب گستردگی توجه به مقوله ارتباطات در این حوزه بود، موضوع جذابی است که تحت عنوان: «رسانه‌ها و روابط بین‌المللی» در مقاله حاضر مورد بررسی قرار گرفته است. در این جستار، نویسنده به نقش پدیده انقلاب اسلامی در آشکار نمودن نقص الگوها و روش‌های کمی در تحلیل‌های اجتماعی نیز اشاره کرده است.

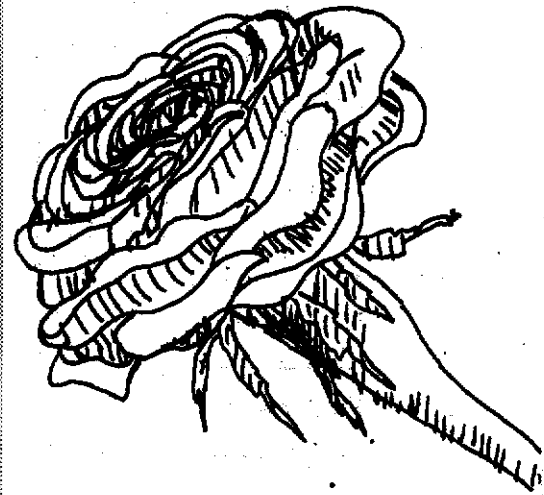
رسانه‌ها و روابط بین‌المللی

دکتر ناصر باهنر

بین‌المللی (International Relations) بی‌بهره بود.^(۱)

دو رشته فرعی دیگر در کنار رشته روابط بین‌المللی پیش می‌رفت که توجه به ارتباطات را در این حوزه گسترش می‌داد: ۱- همگرایی (Integration): مسأله همگرایی برای ملت‌ها اهمیت داشت، زیرا تمام واحدهای بین‌المللی دولت-ملت شده بود و پس از جنگ جهانی دوم بسیاری از دولت-ملت‌ها با دخالت استعمار و تعیین مرزهای از خود ساخته، به وجود آمد و به این ترتیب، به صورت طبیعی رشد نکرده بودند. به عنوان نمونه، در یوگسلاوی و اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی سابق به سبب متشکل بودن از اقوام و فرهنگ‌های گوناگون این همگرایی، بسیار اهمیت داشت و استخدام یک نظام سیاسی واحد را سهل‌الوصول می‌ساخت. در سطح بالاتر نیز همگرایی‌های منطقه‌ای و جهانی مطرح شد

یکی از زمینه‌های مطالعاتی در تاریخ دنیای مدرن، روابط بین‌المللی است که در سه دهه اخیر به عنوان یک موضوع مهم در توصیف تاریخ دیپلماسی به شمار می‌آید و در خصوص آن تئوری پردازی و مدل‌سازی شده است. رشته روابط بین‌الملل یک پدیده جدید بعد از جنگ جهانی دوم است. اگرچه این موضوع نیز قبل از این تدریس می‌شد، اما به عنوان یکی از زیربخش‌های موضوعات علمی سازمان‌های بین‌المللی، حقوق بین‌المللی و تاریخ دیپلماسی مورد مطالعه قرار می‌گرفت. پس از جنگ جهانی دوم، دانشمندان آمریکایی به مطالعه و بررسی علمی خاص در موضوع روابط بین‌المللی روی آوردند و با وجود جنگ سرد، این رشته را نیز با جهان بینی دنیایی و سیاست خارجی خود عجین کردند. با این وجود، اروپا تا سال‌ها از داشتن رشته علمی مستقل به نام روابط



و جایگاه ویژه‌ای در روابط بین‌المللی یافت. تئوری‌های همگرایی با تئوری‌های ارتباطی بسیار مرتبط بود، زیرا این تئوری‌های همگرایی با هماهنگی‌های ارزشی بین واحدها، اقوام و افراد سروکار داشت، و درعین حال مسأله رسانه‌ها نیز مورد توجه قرار می‌گرفت. ازجمله دانشمندانی که در این زمینه کار کردند عبارت بودند از:

Bruce M. Russett, Richard L.

Merritt, Karl W. Deutsch

۲- سایبرنتیک (cybernetics): عده‌ای دیگر با داشتن انگیزه‌های همگرایی و با داشتن پایه‌های علمی خوبی به لحاظ ریاضی به ارایه الگوهای ریاضی پرداختند.^(۲۱) مبتکر علم جدید سایبرنتیک «نوربرت وینر» دانشمند آلمانی‌الصل آمریکاست که نخستین کتاب خود را به همین نام در سال ۱۹۴۷ منتشر کرد.^(۲۲) وی سایبرنتیک را «علم کنترل و انتقال پیام‌ها نزد انسان‌ها و ماشین معرفی می‌کند. وی در علم سایبرنتیک ضمن استفاده از تئوری ریاضی اطلاع، حوزه عمل این تئوری را گسترش می‌دهد و خود نیز تئوری بازگشت اطلاع را برآن می‌افزاید.^(۲۳) کارل دویچ به دنبال نظریه همگرایی ناسیونالیسم، دولت و... از جنبه ارتباطی بود. کتاب او به نام «اعصاب دولت» منتشر شد که یک کتاب اساسی در استفاده از سایبرنتیک در بیان دولت و قدرت بود.^(۲۴) کتاب دیگر او به نام «ملی‌گرایی و ارتباطات اجتماعی» نیز کتاب مهمی در این زمینه محسوب می‌شود.^(۲۵)

به طور خلاصه از سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۸۰ از تئوری‌های Propagandy هارولد لاسول تا تئوری‌های کارل دویچ در حوزه همگرایی و سایرین در زمینه‌های مختلف، مجموعه‌ای از آمیزش علم ارتباطات و علم روابط بین‌الملل پدید می‌آید. در دو دهه اخیر و با آغاز انقلاب اسلامی و نیز انتقاداتی که از علوم اجتماعی شد، این مسأله مطرح گردید که الگوها و روش‌های کمی دچار نواقصی در تحلیل‌های اجتماعی است و باید الگوها و روش‌های کیفی توسعه پیدا کنند. همچنین موضوع فرهنگ را باید سمت و سوی دیدگاه‌های تحلیلی و اندیشه‌های علمی سوق داد.

تحول ارتباطات و تأثیرات آن در روابط بین‌الملل
روابط بین‌الملل به «زمینه‌های مطالعاتی

*پس از جنگ جهانی دوم، دانشمندان آمریکایی به مطالعه و بررسی علمی روابط بین‌المللی روی آوردند.

*این عدم تعادل موجود در دسترسی به اطلاعات، سبب طرح «جریان جدید و متعادل اطلاعات» از سوی جهان سوم به جای «جریان آزاد اطلاعات» مورد نظر غرب شده است.

که شامل تبادل ارزش‌ها، نگرش‌ها، افکار و اطلاعات از طریق افراد، گروه‌ها، دولت‌ها و تکنولوژی‌ها و تأثیرات آنها و نیز مطالعه ساختار سازمان‌هایی است که مسوولیت ترویج اینگونه پیام‌ها میان ملت‌ها و فرهنگ‌ها هستند» تعریف شده است.^(۲۶) براساس این تعریف، ابعاد ملی و بین‌المللی و میان‌فرهنگی تبادل پیام‌ها مدنظر قرار گرفته و به کانال‌ها و سازمان‌های ارتباطی نیز توجه شده است.

همانگونه که در تعریف فوق آمده است، ارتباطات در روابط بین‌الملل، رابطه نزدیکی با یکدیگر داشته و تحول در یکی از آنها تأثیرات مستقیمی در دیگری خواهد گذارد. تاریخ دهه اخیر نشان می‌دهد که تحولات سریع در حوزه ارتباطات بر مطالعات و تحقیقات مربوط به ارتباطات در رابطه بین‌المللی تأثیرات بسیاری گذارده و افق‌های جدیدی را در مسایل روابط بین‌المللی باز کرده است. ازجمله عوامل تأثیرگذار در این تحولات می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

۱- توسعه تکنولوژی‌های مدرن اطلاعات و ارتباطات و به‌کارگیری آنها و تأثیری که بر طبیعت، شدت و محتوای اطلاعات و ارتباطات داشته‌اند. ازجمله آنها می‌توان به تلویزیون، ماهواره، کامپیوتر، ویدئو، دورنویس، خدمات شبکه‌های دیجیتال

همگرایی‌سه و چند رسانه‌ای‌ها، اشاره داشت. این توسعه وسایل ارتباطی به ویژه در حوزه ارتباط جمعی تأثیرات بسیاری در زمینه‌های مختلف روابط بین‌الملل گذارد که در ادامه این نوشتار به این موضوع خواهیم پرداخت.

۲- ازدیاد روزافزون توجه دولت-ملت‌ها، مؤسسات، گروه‌ها و افراد نسبت به اهمیت جریان اطلاعات و عدم تعادل موجود در آن و در نتیجه تأثیری که بر فراگرد تصمیم‌سازی‌های کوتاه مدت و بلندمدت ملی و بین‌المللی آنها و همچنین زندگی شخصی و خصوصی. آحاد بشر در نقاط مختلف دنیا داشته است.

۳- ازدیاد روزافزون بازیگران صحنه بین‌المللی جریان فراملی و جهانی اطلاعات با انشعاب‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به ویژه در توجهی که به زمینه‌های تجاری، بازاریابی، آموزش و فرهنگ آن داشته‌اند.

۴- علاقه فزاینده موجود در مطالعات مقایسه‌ای فرهنگی، افکار عمومی و تصویرها به مدد دقت ابزارها و پیشرفت و توسعه وسایل جمع‌آوری، تنظیم، بازیافت و تخصیص داده‌ها.

۵- گفت‌وگوی مربوط به نظم نوین بین‌المللی اقتصادی و نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات در دهه ۷۰ به ویژه فعالیت‌های یونسکو در خصوص سیاست‌های ارتباطات و جریان اطلاعات و تبادل نظرهای صورت پذیرفته در خصوص ارتباط میان ابعاد اقتصادی و ارتباطی منابع جهانی.^(۲۷)

همانگونه که مجموعه عوامل فوق نشان می‌دهد، در واقع، ارتباطات در حوزه روابط بین‌الملل به عنوان یکی از زمینه‌های محوری سیاست‌ها چه به صورت ملی و چه بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است و به عنوان یکی از زمینه‌های کلیدی قدرت در دنیای سیاست، در کنار اقتصاد و نیروی نظامی محسوب می‌شود. امروزه می‌توان گفت که زمینه‌های نزاع در سیاست‌های بین‌المللی از سطح جغرافیایی و فیزیکی به سطوح ایدئولوژیک، ارتباطی و فرهنگی تغییر یافته است. در چنین شرایطی، دولت‌ها و ملت‌های ضعیف با بهره‌گیری از منابع اطلاعاتی و تکنولوژی‌های ارتباطی، خود را برای مقابله با دولت‌های قویتر آماده می‌سازند و اینگونه علایق را در کنار علایق

و با شبکه دیجیتال متحد جهانی انطباق و همگرایی می کنند. صنعت‌هایی که در یک محیط چند رسانه‌ای خدمات اقتصادی خود را ارائه می کنند و ماهواره‌هایی که مرزهای سیاسی را درنور دیده و با پخش مستقیم و نامحدود برنامه‌ها، فضاهای ملی را با اخبار خارجی، آموزشها، سرگرمیها و برنامه‌های تبلیغاتی در کنار رسانه‌های کوچکی همچون ویدیو، ضبط صوت و شبکه‌های کامپیوتری از جمله اینترنت فضاهای ملی را معرض شیخون و حمله‌های خود قرار می دهند و از نظر فرهنگی الگوهای جدید ارائه شده در ارتباطات نوعی مصرف‌گرایی و غریب‌دگی را ترویج می کنند، همگی نشان از حضور مؤثر رسانه‌ها در عرصه بین‌المللی دارد.

امروزه از این حضور فرامرزی و جهانشمول رسانه‌ها، به ارتباطات جهانی (Global Communication) تعبیر

می شود در حقیقت اصطلاح جهانی شدن پدیده‌ای زاینده دهه‌های اخیر است. گیدنز «جهانی شدن» را به معنای همگرایی در جهان می داند بگونه‌ای که حوادث و وقایع محل از رویدادهایی دورتر تأثیر می پذیرد و یا آنها را شکل می دهند.^(۹) تأثیرات ارتباطات جهانی در روابط بین‌المللی در دو وجه صورت می پذیرد: نخست این که ارتباطات جهانی سبب قدرتمند شدن حاشیه‌ها و پیرامون‌ها شده و زمینه حضور آنها را در گفتگوهای جهانی فراهم می آورد. در واقع، ارتباطات جهانی امکان قدرتمند شدن برخی از صداها و گروه‌های فراموش شده را مهیا ساخته و سبب مورد حمله واقع شدن نظام‌های فرهنگی و سیاسی و اقتصادی سنتی شده‌اند. دوم این که ارتباطات جهانی سبب همگرایی نظریه‌ای می شود و توسط این نوع ارتباطات است که رهبران بین‌المللی توجه به موضوعاتی همچون استعمار، توسعه و جمعیت، سلاح‌های هسته‌ای و محیط زیست، حقوق انسانی، جایگاه زن و از این دست می کنند.^(۱۰)

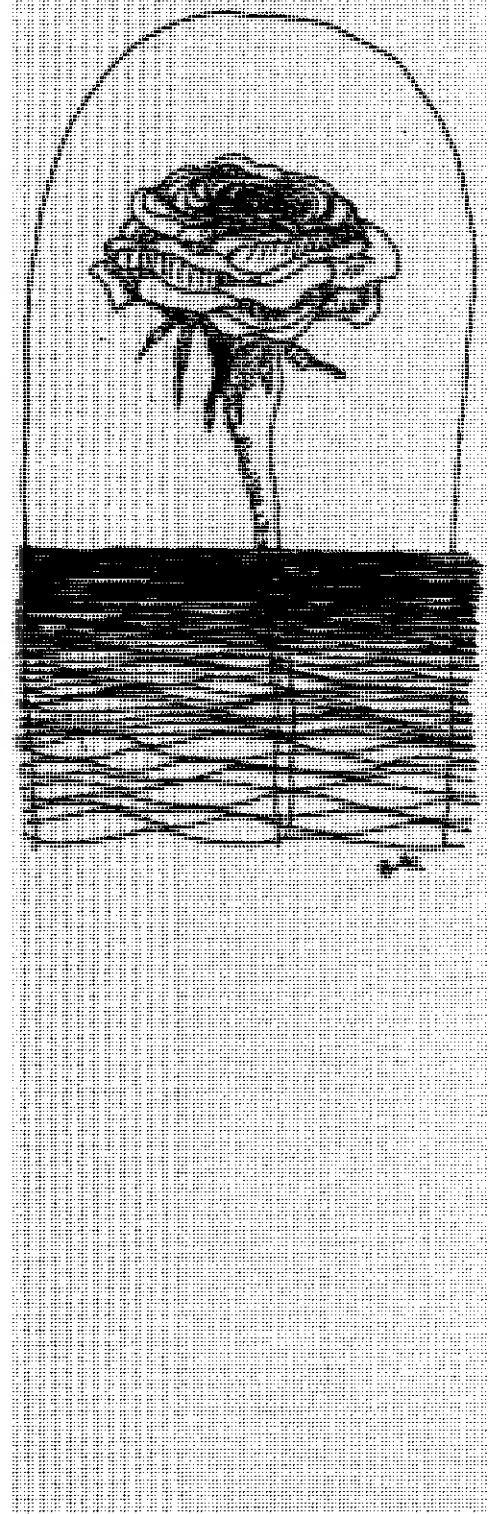
برای این که تأثیرات رسانه‌های جهانی معاصر دقیق‌تر تبیین گردد، می توان آنها را در چند حوزه مورد بررسی قرار داد:^(۱۱)

۱- حوزه دیپلماسی: ارتباطات جهانی سه نوع دیپلماسی را سبب شده است: دیپلماسی عمومی، دیپلماسی مردمی، دیپلماسی واقعی. امروزه دیپلماسی متکی بر قدرت سیاسی به سوی ذهنیت سیاسی، سوق پیدا کرده است. دیپلماسی عمومی به معنای

در دو دهه اخیر و با آغاز انقلاب اسلامی و نیز انتقاداتی که از علوم اجتماعی شد، این مسأله مطرح گردید که الگوها و روش‌های کمی دچار نواقصی در تحلیل‌های اجتماعی است و باید الگوها و روش‌های کیفی توسعه پیدا کند.

اقتصادی و نظامی مورد توجه ویژه قرار داده‌اند.

با فراهم آمدن فوق‌العاده اطلاعات در سطوح ملی و فراملی، مسأله اطلاعات و دسترسی برابر به آن، به عنوان ابزاری برای کاستن وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به شمار می رود. به این ترتیب، مطالعه جریان بین‌المللی اطلاعات دیدگاهی دیگر به مطالعه روابط بین‌المللی است که شامل بررسی انواع فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از ابعاد مختلف تکنولوژیکی و تعامل انسانی در روابط بین‌المللی است. از آن جمله می توان به این موارد اشاره داشت: ماهواره‌ها و تجهیزات مربوط به آن؛ روزنامه‌ها، مجلات، کتاب‌ها، آژانس‌های خبری؛ رادیو و تلویزیون؛ فیلم و ویدیو؛ بازاریابی، آگهی‌سازی، افکار عمومی؛ پست، تلفن، تلگراف، تلکس و کانال‌های ارتباطی مربوط به آن؛ توریسم، سفر، مهاجرت و سایر برخوردهای دینی و فردی؛ کنفرانسها و سازمان‌های بین‌المللی؛ تبادلات آموزشی، هنری و فرهنگی شامل کنفرانسها و ورزش. وسایل ارتباطی معاصر مرزهای تکنولوژیکی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را به هم ریخته است. فن‌آوری‌های مدرن معاصربه سرعت در نظام دیجیتالی وارد شده



فعالیت‌هایی است که خارج مرزها در زمینه‌های اطلاعات، آموزش و فرهنگ صورت می‌گیرد و هدف آن تأثیر بر دولت بیگانه با تأثیر بر شهروندان آن است.^(۱۲) دیپلماسی عمومی، یک ابزار کمکی برای دیپلماسی سنتی است و نوعی همزیستی بین دولت و رسانه‌ها و امور خارجی را به وجود آورده است. دولت می‌تواند در دستیابی رسانه‌ها به اطلاعات دخالت کند و رسانه‌ها نیز می‌توانند در سیاست خارجی نقش بازی کنند و پیام دیپلماسی را از کشوری به کشورهای دیگر منتقل سازند. همانگونه که شبکه مدز در جنگ خلیج فارس نقش مهمی را در دیپلماسی عمومی ایفا کرد.

در مقابل دیپلماسی عمومی که از بالا به پایین تحقق می‌یافت، دیپلماسی مردمی سیری از پایین به بالا دارد. ارتباطات از راه دور و حمل و نقل سلب گردیده‌اند که شهروندان در امور تخصصی خارجی ورود پیدا کنند، در حالی که پیش از این تنها، متخصصان امکان دخالت در چنین اموری را داشتند. به این ترتیب فشارهای دیپلماسی مردمی نیز نقش مهمی در حل اختلافات بین‌المللی پیدا کرده است.

دیپلماسی واقعی نیز یکی از محصولات متأخر ارتباطات نوین است. ویدئو و رایانه و نیز شبکه‌های بین‌المللی رایانه‌ای امکان تشکیل انجمن‌های و گردنمایی‌های تخصصی از راه دور را فراهم آورده‌اند تا گروه‌های متخصصان نقش خود را به عنوان واسطه و مشاور در تضادهای بین‌المللی ایفا کنند.

۲- حوزه اقتصادی: حضور وسایل ارتباطی نوین سبب شکل‌دهی مجدد فرایندهای تولید، توزیع، تجارت و مسایل دیگر اقتصادی و تمرکززدایی از آنها و نیز تقلیل هزینه‌ها شده است. امروزه خدمات لازم برای تجارت همانند تهیه بلیط رزرو هتل از این دست به وسیله ارتباطات از راه دور انجام می‌شود و این سبب رشد سریع و جهش اقتصاد به ویژه در حوزه فناوری گردیده است.

نباید از نظر دور داشت که هنوز ابهام‌ها و سؤال‌هایی در این حوزه وجود دارد که باید برای آنها پاسخ‌هایی مناسب یافت. مانند این که آیا حضور این تکنولوژی‌های ارتباطی و گسترش اطلاعات، سبب برابری اجتماعی خواهد شد یا موجب دو طبقه

***وسایل ارتباطی معاصر مرزهای تکنولوژیکی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را به هم ریخته است. فن‌آوری‌های مدرن معاصر به سرعت در نظام دیجیتال وارد شده و با شبکه دیجیتال متحد جهانی انطباق و همگرایی می‌کنند.**

برخوردار از اطلاعات و بی‌بهره از آن می‌گردد؟ آیا این مسأله سبب بیکاری خواهد شد یا موجب اشتغال خواهد بود! کارایی فناوری در برابر انصاف و عدالت، آزادی اقتصادی در مقابل امنیت ملی و توسعه در برابر حفاظت از محیط زیست یا حق تبادل آزاد اطلاعات در مقابل حق حاکمیت، از مشکلات و ابهام‌های باقیمانده در این زمینه به شمار می‌آیند، چرا که نظام مصرفی سرمایه‌داری امروز در قالب شرکت‌های فرانکلین، با بهره‌گیری از سیستم‌های نوین حمل و نقل و ارتباطات، مرزها را در نوردیده و به درون مرزهای ملی نفوذ کرده و از اقتدار دولتها کاسته است.^(۱۳)

۳- حوزه فرهنگ: تأثیر ارتباطات جهانی بر فرهنگ بین‌المللی امروزه بسیار مشهود است.

تولیدات رسانه‌ای با بهره‌گیری از ویژگی‌های فرهنگی، فضای اجتماعی تولیدکنندگان خود، اثرات مخرب و گاه غیرقابل پیش‌بینی در فرهنگ مصرف‌کنندگان خود باقی گذاشته‌اند. تکنولوژی‌های بزرگ ارتباطی مانند ماهواره و رایانه‌ها از جمله عوامل جهانی کردن شمرده می‌شوند و با هدف بین‌المللی کردن بازارها، جوامع و فرهنگ‌های ملی

کار می‌کنند. تکنولوژی‌های متوسط ارتباطی همچون صنعت چاپ و سینما اغلب تحت نفوذ حکومت‌های ملی و گروه‌های فشار بوده و عامل وحدت ملی و تحرک اجتماعی‌اند. و بالاخره تکنولوژی‌های کوچک مانند تلفن و ویدئو کاست سبب قدرتمندسازی پیرامون، در مقابل مرکز شده‌اند.

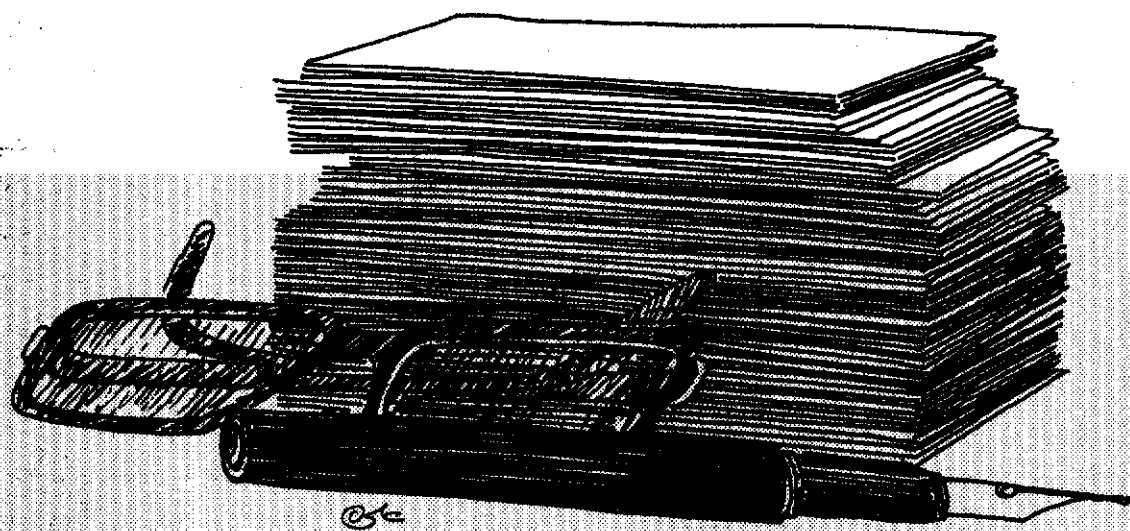
۴- حوزه آموزش: امروزه تکنولوژی‌های ارتباطی، نقش مهمی در آموزش ایفا می‌کنند. حضور رسانه‌ها سبب گسترش آموزش در حوزه‌های ملی و فراملی شده و انتقال اطلاعات نوین و نیز فسخ اطلاعات قدیمی با سرعت صورت می‌پذیرد. جدای از تکنیک‌های آموزشی، رسانه‌ها نقش مهمی در ارتقاء سطح کیفی آموزش آن کرده‌اند.

۵- حوزه نظامی: تکنولوژی‌های ارتباطی در این حوزه، دارای دو چهره متضاد شده‌اند. این تکنولوژی‌ها در عین حال که می‌توانند به صلح و امنیت ملی و بین‌المللی کمک کنند، گسترش آنها نیز می‌تواند مخل صلح و امنیت جهانی باشد. به عنوان مثال تعدد ماهواره‌ها، کنترل اطلاعات را از بین برده است و احتمال ضربه‌های سیاسی از جمله تروریسم را افزونتر ساخته است. در عین حال که حضور پر قدرت ماهواره‌ها می‌تواند ملت‌ها و دولت‌ها را از حرکت‌های نظامی که تهدیدکننده امنیت آنها باشد، مطلع سازد و در این راه به آنها مدد رساند.

دیدگاه‌های تئوریک در حوزه ارتباطات و روابط بین‌المللی بر پایه حضور ارتباطات در روابط بین‌المللی.

دیدگاه‌های نظری در حوزه روابط بین‌المللی را می‌توان در چهار دیدگاه مطرح کرد که فعالیت‌های متخصصان، دولتها، دست‌اندرکاران رسانه‌ها و آحاد مردم را در زمینه ارتباطات بین‌المللی طی چهل سال اخیر تبیین کرده‌اند.

۱- دیدگاه ایدئالیستی امنیستی: در این نظریه، ارتباطات بین‌المللی به عنوان وسیله‌ای برای کنار هم قرار دادن ملت‌ها و به عنوان قدرتی که به سازمان‌های بین‌المللی در انجام خدمات خود به جامعه جهانی کمک می‌کند، نگریسته می‌شود. از این نقطه نظر، ارتباطات با ایده آل‌ترین شکل آن به عنوان زمینه ساز درک متقابل میان ملتها و صلح مورد توجه قرار می‌گیرد.



جهان سوم یا در حال توسعه به شیوه های نوین و غیرمستقیم سلطه جهانی کشورهای سرمایه داری غربی، نظریه های سلطه ارتباطی جهان مطرح شدند و مفاهیم جدیدی همچون «امپریالیسم فرهنگی»، «امپریالیسم ارتباطی» و سرانجام «امپریالیسم خبری» برای معرفی شیوه های سلطه جهانی به کار گرفته شدند.

ایمانوئل والرشتاین، برای امپریالیسم فرهنگی این ویژگی ها را توصیف کرده است: «واژه امپریالیسم فرهنگی نشان دهنده نوعی نفوذ اجتماعی است که از طریق آن کشور، اساس تصورها، ارزش ها، معلومات و هنجارهای رفتاری و همچنین روش زندگی خود را به کشورهای دیگر تحمیل می کند.» به دنبال آن، مطالعاتی در خصوص نقش وسایل ارتباط جمعی در فرایند عملکرد امپریالیسم فرهنگی صورت پذیرفت.

در این میان مطالعات Oliver Boyd- Borrett در دهه ۱۹۷۰ توانست مفهوم امپریالیسم ارتباطی را تا حد زیادی تبیین کند. وی در این خصوص می گوید: «امپریالیسم وسایل ارتباطی، شکل های گوناگون فعالیت های بین المللی این وسایل را که معرف چگونگی اعمال نفوذ آنهاست، در بر

«نظام مصرفی سرمایه داری امروز در قالب شرکت های فرانکلین، با بهره گیری از سیستم های نوین حمل و نقل و ارتباطات، مرزها را درنوردیده و به درون مرزهای ملی نفوذ کرده و از اقتدار دولت ها کاسته است.»

با مطالعه در خصوص رسانه های بین المللی می توان دریافت که این گونه ابزارها در کشورهای اندکی متمرکز است و با انتقال اطلاعات به کشورهای دیگر، محتوای فرهنگی کشور منبع نیز منتقل می شود. این عدم تعادل موجود در دسترسی به اطلاعات، سبب طرح «جریان جدید و متعادل اطلاعات» از سوی جهان سوم به جای «جریان آزاد اطلاعات» مورد نظر غرب شده است.^(۱۲)

نظریه های سلطه ارتباطی جهانی و دیدگاه های انتقادی همچنین در سه دهه اخیر به موازات آگاهی های کشورهای

۲- دیدگاه تبلیغ سیاسی (Palitical Praselytzation): این دیدگاه ارتباطات را به عنوان تبلیغات، مواجهه ایدئولوژیکی آگهی سازی و آفرینش اسطوره ها مدنظر قرار می دهد. اینگونه موارد در ارتباطات معمولاً یکسویه است و همه آنها نیازمند قدرت سازماندهی شده متمرکزند. این نظریه بر روابط میان دولت ها تأکید دارد و برخلاف دیدگاه امپریالیستی که با اهداف ترویج تفاهم فرهنگی و اخلاقی به ارتباطات بین المللی می نگریست. برحسب تقویت موقعیت سیاسی و قدرت اقناع به آن می نگرد.

۳- دیدگاه اقتصادی: در این دیدگاه، اطلاعات در حوزه بین الملل به عنوان قدرت اقتصادی محسوب می شود، طرح های توسعه بین المللی، اقدامات بازرگانی، بازاریابی، تجارت و انتقال تکنولوژی مورد توجه این دیدگاه است. آنان نوگرایی کشورهای عقب افتاده به روش غربی را سبب تسلیم بیشتر در برابر کنترل کشورهای غربی می دانند.

۴- دیدگاه قدرت سیاسی: در این نگرش، ارتباطات و اطلاعات در روابط بین المللی به عنوان قدرت سیاسی تلقی می شود.

or Control and Communication in the Animal and Machine.

۴- کاظم معتمدنژاد. وسایل ارتباط جمعی. تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۱. ص ۵۴-۵۵.

5- Karl W. Deutsch. The Nerves of Government: Medels of political Communication and Control. New York: Free Press, 1963.

6- Karl W. Deutsch. Nationalism and Social Communication. Combridge, MA: MIT Press, 1953.

7- Hamid Mowlana. Global Communication in Transilication: The end of Diversity. Thousand okas: Sage Publications, 1996. pp. 226-7.

8- Ibid. p.225.

9- Annabelle Sreberny-Mohammadi. Mass Media and Society; The Global and Local International Communications. Chapter G. P121.

۱۰- مراجعه شود به مقاله:

Majid Tehranian. Global Communication and International Relations Problems, Puzzels, Policies and Prospects, 1986. pp. 1-8.

11- Ibid. pp. 9-11.

12- Howard H. Fredric. Global Communication and International Relations. 1993. Chapter 8, p. 229.

۱۳- حمید مولانا، ارتباطات و فرهنگ در قرن بیست و یکم، در فصلنامه پژوهشی، دانشگاه امام صادق. تهران، ۱۳۷۶. ص ۷-۲۶.

14- Hamid Mowlana. Global Communication in Transition. PP. 224-5.

۱۵- ر.ک: کاظم معتمدنژاد. نظریه های سلطه ارتباطی جهانی. فصلنامه رسانه، سال هفتم، شماره ۲.

۱۶- ر.ک: کاظم معتمدنژاد. تصویر خیری انقلاب اسلامی ایران در جهان، فصلنامه رسانه، سال اول، شماره ۱.

می گیرد.

تجزیه و تحلیل علمی فعالیت های بین المللی وسایل ارتباطی آشکار می سازد که این نفوذگذاری از دو عامل غیرعادی ناشی می شود. یکی از این دو عامل، یک جهتی بودن جریان بین المللی ارتباطات و عامل دیگر، محدود بودن تعداد کشورهای صاحب نفوذ است که منشأ و منبع تاثیرگذاری ارتباطات بین الملل در سراسر جهان اند... و با توجه به دو عنصر هجوم فرهنگی و عدم تعادل منابع قدرت به کار بردن واژه امپریالیسم در مورد وسایل ارتباطی توجیه می شود.^(۱۵) به این ترتیب نظریه های سلطه ارتباطی جهانی مطرح گردیدند.

جدای از طرح این نظریه توسط صاحب نظران جهان سوم، مطالعات انتقادی مختلفی پس از جنگ جهانی دوم و به ویژه در دهه های اخیر از سوی برخی محققان و جامعه شناسان غربی در این باره صورت گرفته اند... نظریه های جامعه شناسان انتقادگر غربی در بررسی عملکردهای کنترل وسایل ارتباط جمعی در جوامع سرمایه داری غربی را می توان به دو دسته مهم تقسیم کرد:

دسته نخست کسانی هستند که با توجه به تجاری شدن رسانه ها، آنها را به عنوان صنایع فرهنگی معرفی می کنند و محصولات تولیدی آنها را «فرهنگ توده» می نامند.

گسترش چنین صنایع و فرهنگی، نقش روشنفکرانه و آگاه کننده وسایل ارتباط جمعی را زایل ساخته و آنها را به عامل تخدیر اندیشه ها و رفتارهای اجتماعی مردم و سازش دهنده با نظام حاکم تبدیل کرده است تا با طرح قضاوت ها و آگاهی های سطحی و غیرواقعی. رضایت عمومی را پابرجا نگه دارند و نظام موجود را تثبیت کنند از جمله این انتقادگران می توان به تئودور آدرنو، اشاره داشت.

دسته دوم از انتقادگران غربی همچون «لولی آلتوسر» به جای تکیه بر کاربردهای منفی رسانه ها و تاثیرات غیرمستقیم فعالیت های تجاری صنایع فرهنگی، به ساختارهای اصلی جوامع سرمایه داری توجه دارند و ضمن مطالعه در خصوص ساختارهای قدرت دستگاههای سرکوبگر و دستگاههای ایدئولوژیک دولت را از یکدیگر تمیز داده و وظیفه وسایل ارتباط

* با مطالعه در خصوص رسانه های بین المللی می توان دریافت که این گونه ابزارها در کشورهای اندکی متمرکز شده است و با انتقال اطلاعات به کشورهای دیگر، محتوای فرهنگی کشور منبع نیز منتقل می شود.

جمعی را به عنوان یکی از دستگاههای ایدئولوژیک دولت، بازآفرینی نیروی انسانی موردنیاز حاکم برای تأمین مشروعیت و نگهداری نظام موجود می دانند.^(۱۶)

در این نوشتار از میان دیدگاههای نظری چهارگانه حوزه روابط بین المللی، بر دو دیدگاه «تبلیغ سیاسی» و «قدرت سیاسی» تاکید می شود و در زمینه تجزیه و تحلیل محتوای وسایل ارتباط جمعی غربی در خصوص انقلاب اسلامی ایران و شیوه های به کار رفته از سوی آنها، به شیوه های مبتنی بر دیدگاههای انتقادی و نظریه های سلطه ارتباطی جهانی، استناد می گردد تا عملکردهای سلطه گرانه امپریالیسم ارتباطی و خبری با تمرکز بر این دیدگاهها بیشتر روشن گردد.

پی نوشت:

1- Hamid Mowlana. Global Information and World Communication: New Frontiers in International Relation. while plains, Ny: Longman, 1986, p1.

۲- مراجعه شود به:

Everett M. Rogers. A History of Communication Study. New York: The Free press, 1994. chapter 10.

3- Norbert Wiener. Cybernetics